



## The Dynamics of Power and Legitimacy Mechanisms in Modern Public Law: An Exploration of Constitutionalism and Democratic Governance (With a Focus on the U.S. Legal System)

**Mehrad Momen \***

PhD Researcher in Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

**Alireza Dabirnia**

Associate Professor of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

### Abstract

Democratic constitutionalism is a profound concept emphasizing both the legitimacy of a constitution in reflecting the general will and the role of the public sphere as a platform for public discourse aimed at converging these two aspects. This study provides a comprehensive exploration of modern public law at the macro level, focusing on the interaction between the constitution, constituent power, and democratic governance. At the micro level, it elucidates key constructs in modern public law such as the public sphere, civil disobedience, power dynamics, the mechanisms of control and balances, democratic constitutionalism, public discourse, representative democracy, the rule of law, and the political system. Using a descriptive-analytical approach and library resources, this research highlights the inherent challenges in contemporary legal systems and examines the trend of constitutionalism and the exercise of constituent power as fundamental components in establishing principles and structures of democratic governance. The findings underscore the adherence to constitutional principles and legal precedents emerging from court rulings in interpreting and enforcing the constitution. The study emphasizes the importance of modern public law in supporting democratic governance, protecting individual rights, and enhancing active citizen participation in public discourse and the public sphere in shaping policy processes and strengthening public policies. Ultimately, this research elucidates the political system as the framework for power distribution, public policymaking, and the establishment of sovereignty within the context of modern public law, in interaction with the constitution and democratic governance. Understanding these constructs is deemed essential for effectively navigating the complexities of modern public law and achieving a just, inclusive, and democratic society.

**Keywords:** power dynamics, modern public law, democratic governance, public sphere, constituent power, constitutionalism

Received: 03/April/2024

Accepted: 31/August/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## پویایی قدرت و سازوکار مشروعیت در حقوق عمومی مدرن: کاوشی در نهاد اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک (با نگاهی به نظام حقوقی ایالات متحده)

مهراد مؤمن\* | پژوهشگر دکتری حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

علیرضا دبیرنیا | دانشیار حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

### چکیده

اساسی‌گرایی دموکراتیک از مفاهیم عمیقی است که از یک سو بر مشروعیت قانون اساسی در انعکاس اراده عمومی و از سوی دیگر بر جایگاه حوزه عمومی به‌عنوان بستری برای گفتگوی عمومی در جهت همگرایی این دو تأکید می‌کند. پژوهش حاضر در سطح کلان به کاوشی جامع از حقوق عمومی مدرن با تمرکز بر تعامل میان قانون اساسی، قدرت مؤسس و حکمرانی دموکراتیک و در سطح خرد به تبیین بر ساخت‌های کلیدی در حقوق عمومی مدرن مانند حوزه عمومی، نافرمانی مدنی، پویایی قدرت، سازوکار کنترل و تعادل، اساسی‌گرایی دموکراتیک، گفتگوی عمومی، دموکراسی نمایندگی، حکومت قانون و نظام سیاسی می‌پردازد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، چالش‌های ذاتی در نظام‌های حقوقی معاصر را برجسته نموده و به بررسی روند اساسی‌گرایی و اعمال قدرت مؤسس به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی در ایجاد اصول و ساختارهای حکمرانی دموکراتیک می‌پردازد. بر همین اساس، یافته‌های پژوهش، پایبندی به اصول قانون اساسی و رویه‌های حقوقی برآمده از آراء دادگاه‌ها در تفسیر و اجرای قانون اساسی را برجسته می‌کند و بر اهمیت حقوق عمومی مدرن در حمایت از حکمرانی دموکراتیک، حمایت از حقوق فردی و تقویت مشارکت فعال شهروندان در گفتگوی عمومی و حوزه عمومی در شکل‌دهی به فرآیندهای سیاست‌گذاری و تقویت سیاست‌های عمومی صحه می‌گذارد. درنهایت، پژوهش حاضر، نظام سیاسی را به‌عنوان بستر توزیع قدرت، سیاست‌گذاری عمومی و استقرار حاکمیت در چارچوب حقوق عمومی مدرن در تعامل با قانون اساسی و حکمرانی دموکراتیک تبیین می‌کند و درک این بر ساخت‌ها را برای پیمایش مؤثر در پیچیدگی‌های حقوق عمومی مدرن و تحقق جامعه‌ای عادلانه، فراگیر و دموکراتیک بایسته قلمداد می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** پویایی قدرت، حقوق عمومی مدرن، حکمرانی دموکراتیک، حوزه عمومی، قدرت مؤسس، اساسی‌گرایی

۱- مقدمه<sup>۱</sup>

در آغاز بحث ضرورت دارد تعریفی از حقوق عمومی مدرن به‌عنوان بستر مفاهیمی که ذیل آن بررسی خواهد شد، ارائه شود. حقوق عمومی مدرن متضمن اصول حقوقی، چارچوب‌ها و نهادهایی است که بر روابط بین دولت و شهروندان آن حاکم است و شالوده حکمرانی دموکراتیک، تضمین صیانت از حقوق فردی، توزیع متعادل قدرت و پاسخگویی نهادهای حکمرانی را فراهم می‌کند (Vaezi, 2023; Loughlin, 2010; Syrett, 2011; Loughlin, 2004; Tushnet, 2018). تطور حقوق عمومی مدرن، برآیند رویدادهای تاریخی، جنبش‌های اجتماعی و تحولات حقوقی-سیاسی متعدد معاصر است. در عصر معاصر، حقوق عمومی مدرن به‌عنوان چارچوبی برای حل تعارضات، ایجاد توازن بین منافع رقیب و ارتقای منافع مشترک عمل می‌کند (Casey & Vermeule, 2022; Vermeule, 2022; Kingsbury & Schill, 2010; Levinson, 2016; Andrias, 2016). از رهرو اصول اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک، حقوق عمومی مدرن، قواعد و رویه‌هایی را ایجاد می‌کند که به‌موجب آن تصمیمات اتخاذ، خط‌مشی‌ها تدوین و از آزادی‌های فردی محافظت می‌شود (Urhibo, 2023; Kochi, 2020; Axtmann, 2014; Joerges, 2015; et al., 2004; Mbondenyi & Ojienda, 2013; Adagbabiri, 2015).

تلاقی پدیده‌های قانون اساسی، قدرت مؤسس و حکمرانی دموکراتیک در گرانیکاه حقوق عمومی مدرن قرار دارد (Colón-Ríos, 2020). بر این اساس، قانون اساسی نمایانگر یک فرآیند دگرگونی است که از مجرای آن، اراده یک ملت، اصول و ساختارهای اساسی حکمرانی خود را ایجاد می‌کند. قدرت مؤسس، خواه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم اعمال شود، به این قانون اساسی مشروعیت می‌بخشد و متضمن انعکاس اراده مردم است (Roznai, 2023; Colón-Ríos, 2023). حکمرانی دموکراتیک که ریشه در اصول مشارکت مردمی و پاسخگویی دارد، چارچوبی را فراهم می‌کند که این قانون اساسی در آن عمل می‌کند (Levy, 2023). از سوی دیگر، توزیع و اعمال قدرت در قاموس پویایی قدرت و نیز پابندی به اصول مشروعیت در حقوق عمومی مدرن به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با این مفاهیم مرتبط بوده و بر عملکرد و اثربخشی حکمرانی دموکراتیک تأثیر می‌گذارند (Gadinger & Scholte, 2023). در همین راستا، درک تأثیر متقابل میان قانون اساسی، قدرت مؤسس و حکمرانی دموکراتیک از یک سو و پویایی قدرت و مشروعیت ساختار سیاسی از سوی دیگر، در پرداختن به چالش‌ها و پیچیدگی‌های پیش روی نظام‌های حقوقی معاصر ضروری می‌نماید.

پژوهش حاضر با بررسی رابطه میان قانون اساسی، قدرت مؤسس و حکمرانی دموکراتیک، در پی تبیین ماهیت و ضرورت پویایی قدرت و مشروعیت در حقوق عمومی مدرن است. این مطالعه از طریق توصیف و تحلیل چارچوب‌های نظری، مطالعات موردی و تحلیل تطبیقی به دنبال تعمیق درک ما از چگونگی شکل‌گیری مفاهیم مرتبط به عملکرد نظام‌های حقوقی، حمایت از حقوق فردی و پیگیری آرمان‌های دموکراتیک است. در بخش‌های بعدی، به بررسی

۱. نگارندگان نیک آگاه هستند که در ادبیات حقوق عمومی ایران، در حوزه اساسی‌گرایی مطالبی ذیل، عباراتی نظیر دستورگرایی، مشروطه‌گرایی و مشروطه‌خواهی منتشر شده است. باری، به‌زعم ایشان، این عبارات معادل‌های دقیقی برای مفهوم constitutionalism متعارف در گفتمان حقوقی غرب نیستند و اساساً مفهوم‌سازی درستی از آن در ادبیات حقوقی ایران انجام نشده است. در همین راستا، نوشتار حاضر یکی از مجموعه آثار نگارندگان در تلاش برای شالوده‌ریزی و شاکله‌بندی دوباره این مفهوم و گفتمان کلیدی، ذیل عنوان "اساسی‌گرایی" است. یکی از مجموعه مقالات با عنوان "آونگ اساسی‌گرایی در تعامل میان قدرت مؤسس و حقوق اساسی با نگاهی به نظام حقوقی ایالات متحده" در ژورنال مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز (لینک [https://jls.shirazu.ac.ir/article\\_7403.html](https://jls.shirazu.ac.ir/article_7403.html)) قابل دسترسی است. در اثر دیگری از این مجموعه، به بررسی جامعی از نوشته‌های پژوهشگران ایرانی و نوشته‌های فارسی پرداخته شده است.

پرسش دیگری که ممکن است به ذهن خطور کند، در مورد استفاده از ترکیب "اساسی‌گرایی دموکراتیک" است که آیا یک ساختار اساسی‌گرا می‌تواند غیردموکراتیک عمل کند. در پاسخ باید گفت که وجود یک قانون اساسی، لزوماً متضمن تمسک به آن یا اساسی‌گرایی نیست. از طرفی، گرایش افراطی و لگام‌گسیخته به قانون اساسی می‌تواند به تسهیل ژورستوکراسی و تضعیف دموکراسی بینجامد. پس اساسی‌گرایی لزوماً دموکراتیک نیست.

مبانی نظری اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک می‌پردازیم و مکانیسم‌هایی را بررسی می‌کنیم که از مجرای آن قدرت مؤسس بر مشروعیت قوانین اساسی مدرن تأثیر می‌گذارد و پویایی قدرت را در چارچوب حکمرانی دموکراتیک تحلیل می‌کنیم. علاوه بر این، مطالعات موردی و مثال‌های مقایسه‌ای را بررسی خواهیم کرد تا تعامل میان این مفاهیم را نشان دهیم و بینش‌هایی را در مورد شیوه‌های مطلوب حکمرانی و حصول اطمینان از یک چارچوب مشروع و قویم ارائه کنیم.

## ۲- بیان مسئله

پس از عصر رنسانس، به‌عنوان نقطه عطف تاریخ حکمرانی، رویکرد جوهر و هدف-بنیاد قدرت سیاسی به رویکرد ابزار و مکانیسم-بنیاد تبدیل شد و رابطه حاکم و مردم دچار تغییرات بنیادی شد. پس از این دوره، رابطه حاکم و مردم از یک رابطه نزولی به یک رابطه صعودی بدل یافت و قدرت سیاسی تحت عنوان قدرت عمومی و در کالبد قدرت مؤسس رنگ تازه گرفت؛ گویی دولت و قدرت سیاسی پدیده‌ای است که ذیل عنصر و مؤلفه مردم هویت می‌یابد. در این رابطه صعودی، مردم در موجودیت قدرت سیاسی نقش تأسیس‌کنندگی دارند و این قدرت مؤسس همواره از ظرفیت تغییر ساحت و سریر قدرت و حکمرانی و ایجاد ساختار سیاسی جدید برخوردار است. دولت و قدرت سیاسی نسبت به مردم موجودیتی ثانوی و در طول آن دارد که نتیجتاً مصالح و منافع این موجود، با واسطه و ثانوی و در ذیل منافع و مصالح قدرت مؤسس قرار می‌گیرد.

بر این اساس، وجود یک قانون اساسی مدون (نه الزاماً مکتوب) برای برآورده کردن معیارهای حکمرانی مطلوب و استقرار دولت-نماینده‌گی در یک نظم سیاسی اساسی‌گرا (مبتنی بر نظم برخاسته از قانون اساسی) ضروری، هرچند ناکافی، است. در همین راستا، این نمایندگی از طریق طراحی نهادهایی مانند مقننان و مجریان که ترجیحات عمومی را به خط‌مشی تبدیل می‌کنند، صورت می‌پذیرد. کارویژه اساسی‌گرایی-به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در گفتمان حقوق عمومی مدرن-تضمین سازواری مصوبات و اعمال مقننان و مجریان با شئون و اراده قدرت مؤسس است که در قانون اساسی تبلور یافته است.

قانون اساسی، دارای یک نقش ابزاری در سازمان‌دهی دولت و یک نقش نمادین در قامت مانیفست ارزش‌های ملی و نمادی از هویت سیاسی-جمعی است. بدین ترتیب، مطابقت قوانین، اقدامات و تصمیمات در عرصه حکمرانی با نصّ و مَرّ قانون اساسی، بیانگر هویت سیاسی جامعه و اراده و ذائقه عمومی می‌شود. می‌توان گفت پیدایش اساسی‌گرایی ناشی از تلاقی دو پدیده تاریخی مهم است؛ یکی قدرت مؤسس و دیگری حقوق اساسی. بر این اساس می‌توان گفت که اساسی‌گرایی برای میانجی‌گری تنش اجتناب‌ناپذیر میان این دو پدیدار می‌شود. حکمرانی دموکراتیک، مولود و محصول اساسی‌گرایی است و یک حکومت اساسی‌گرا، الزاماً رگه‌های دموکراتیک را در خود دارد و بار تداوم اساسی‌گرایی ناگزیر بر شالوده حکمرانی دموکراتیک استوار است.

بر این اساس، پژوهش حاضر عنوان می‌کند که مشروعیت سازمان قدرت در ارتباط تنگاتنگی با پویایی قدرت در یک جامعه سیاسی است که این پویایی قدرت بایستی برخاسته از تعامل میان حقوق اساسی، قدرت مؤسس و ساختارهای حکمرانی باشد. مسئله این پژوهش، تبیین این بایسته‌ها در بستر حقوق عمومی مدرن و از دریچه قانون اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک است و اینکه چگونه قانون اساسی نقش ابزاری و نمادین خود را در تعامل میان این بر ساخت‌ها در این بستر مملو از تنش‌های اجتناب‌ناپذیر و اولویت‌های رقیب در یک جامعه سیاسی که دائماً در حال تحول است، ایفا می‌کند.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و با روش اسنادی و رویکردی توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مفصل‌بندی شده است. پرسش زمینه در این پژوهش این است که "پویایی قدرت و سازوکار مشروعیت چگونه به ابتنای بر ساخت‌های عمیق حقوق عمومی مدرن نظیر قانون‌اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک نضج و نمو می‌یابد و به تسهیل و تعدیل تعامل میان حقوق اساسی، قدرت مؤسس و سازمان قدرت در حکمرانی دموکراتیک و قانون‌اساسی محور می‌انجامد". بر این اساس، این پژوهش در یک پارادایم تفسیر‌گرایانه و بین‌رشته‌ای، مفاهیمی را از جامعه‌شناسی سیاسی، تاریخ حقوق عمومی و پدیدارشناسی فلسفی-سیاسی وام گرفته و در بستر حقوق عمومی مدرن، واکاوی و تبیین می‌کند. در همین راستا، نگاه به مقوله‌های پویایی قدرت و سازوکار مشروعیت در حکمرانی دموکراتیک در پژوهش حاضر، عمل‌گرایانه و چندسویه است.

### ۴- مرور ادبیات

#### ۴-۱- قانون اساسی و قدرت مؤسس

##### ۴-۱-۱- تدوین قانون اساسی و اهمیت آن در ایجاد ساختارهای حکمرانی

تدوین و تصویب قانون اساسی، مرحله‌ای اساسی در ایجاد ساختارهای حکمرانی در یک ملت است (Arato, 1995). قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی-سیاسی یک دولت-ملت، اصول اساسی، ارزش‌ها و ساختارهای حاکم بر سازمان قدرت و نهادهای آن را در کنار حق‌ها و آزادی‌های ملت ترسیم می‌کند. قانون اساسی به‌مثابه یک قرارداد اجتماعی بین دولت و شهروندان عمل می‌کند و حقوق و مسئولیت‌های هر دو طرف را با مشارکت گروه‌های مختلف ذینفع از جمله نمایندگان مردم، خبرگان حقوقی و سازمان‌های جامعه مدنی محقق می‌سازد (Beha, 2023; Negretto, 2020). از طریق قانون اساسی، صلاحیت‌ها و محدودیت‌های قوای حکومتی مشخص می‌شود و نظامی از کنترل‌ها و توازن‌ها مستقر می‌شود که از مردم در برابر سوءاستفاده از قدرت صیانت می‌کند (Ankut, 2019). علاوه بر این، قانون اساسی با نهادینه کردن سازوکارهایی برای مشارکت عمومی و پاسخگویی، شالوده حکمرانی دموکراتیک را بنا می‌نهد و شهروندان را قادر می‌سازد تا در شکل‌دهی چارچوب قانونی حاکم بر زندگی‌شان صدایی داشته باشند. فرآیند تدوین قانون اساسی با تضمین فراگیری و شفافیت، مشروعیت و اعتماد عمومی را در ساختارهای حکمرانی حاصل تقویت می‌کند (Sethi, 2023).

##### ۴-۱-۲- قدرت مؤسس و نقش آن در مشروعیت‌بخشی به قانون اساسی

قدرت مؤسس، اقتدار جمعی یک ملت برای ایجاد قانون اساسی و تعریف نظم حقوقی یک نظام سیاسی (Loughlin, 2014; Loughlin, 2017) و بیانگر منبع مشروعیت آن است (Abromeit, 2007). جایگاه قدرت مؤسس در مشروعیت‌بخشی به قانون اساسی و به تبع آن، سازمان سیاسی اغماض‌ناپذیر است. در حقیقت، مشروعیت یک قانون اساسی به میزان انعکاس آن از خواست و اراده عمومی وابسته است (Colón-Ríos, 2012) و همواره از طریق ابزارهای مختلفی مانند همه‌پرسی، نمایندگانی و یا جنبش‌های مردمی، قابل اعمال است (Rubinelli, 2020). به عبارت دیگر، مشارکت فعال شهروندان در تدوین قانون اساسی، احساس مالکیت و اعتماد آن‌ها را نسبت به ساختارهای حکمرانی ایجادشده توسط قانون اساسی افزایش می‌دهد و در نتیجه آن، قرارداد اجتماعی بین دولت و شهروندان و احساس مسئولیت جمعی تقویت می‌شود؛ بنابراین، مادامی که اقشار خاصی از مردم از روند تدوین قانون اساسی حذف یا به حاشیه رانده شوند، سازمان سیاسی و ساختار حکمرانی با چالش نارسایی مشروعیت در قدرت مؤسس مواجه

می‌شود (Verdugo, 2023). این امر می‌تواند با تضعیف اثربخشی و پذیرش قانون اساسی به ناآرامی اجتماعی و تقلیل حکمرانی دموکراتیک بینجامد (Böckenförde, 2017).

### ۳-۱-۴- نارسایی‌های بالقوه مشروعیت و تأثیر آن‌ها بر حکمرانی دموکراتیک

نارسایی مشروعیت<sup>۱</sup> در فرآیند تدوین قانون اساسی (Barnett, 2003; Fallon Jr, 2004) می‌تواند پیامدهای مهمی برای حکمرانی دموکراتیک داشته باشد (Closa & Fossum, 2004). وقتی گروه‌ها یا دیدگاه‌های خاصی حذف یا به حاشیه رانده می‌شوند، اصول فراگیری و برابری در بهره‌مندی از منابع عمومی که زیربنای نظام‌های دموکراتیک و حقوق بشر است، تضعیف می‌شوند (Doyle, 2019) و با ایجاد نارضایتی و فروکاست اعتماد عمومی به دو قطبی شدن سیاسی و گسست اجتماعی می‌انجامد. هنگامی که گروه‌های خاصی به‌طور سیستماتیک از مشارکت محروم می‌شوند، توزیع نابرابر قدرت و نفوذ در ساختارهای حکمرانی به تمرکز قدرت در دستان معدودی منجر می‌شود و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت به نیازها و منافع جمعیت گسترده‌تر را به مخاطره می‌اندازد؛ بنابراین، پرداختن به نارسایی مشروعیت برای تضمین اثربخشی و پایداری حکمرانی دموکراتیک، ارتقای فراگیری و مشارکت عمومی معنادار در روند تدوین قانون اساسی، امری ضروری است. این مورد می‌تواند از طریق مکانیسم‌هایی مانند رایزنی عمومی، آموزش مدنی و ایجاد نهادهای نماینده و فراگیر قانون اساسی محقق شود که در نتیجه آن، مشارکت عمومی و مشروعیت گسترده در این بستر، به تسهیل حکمرانی دموکراتیک (Emmerson, 2012)، احساس مالکیت و مسئولیت جمعی در میان شهروندان کمک می‌کند (Moehler & Lindberg, 2009).

### ۲-۴- حوزه عمومی و نافرمانی مدنی

#### ۱-۲-۴- حوزه عمومی به‌عنوان بستری برای گفتمان و تأثیر آن بر حکمرانی دموکراتیک

از مهم‌ترین بسترهای اعمال قدرت مؤسس یا اراده عمومی در یک ساختار حکمرانی دموکراتیک، حوزه عمومی است که در آن افراد برای تبادل آراء، نظرات و اطلاعات در مورد موضوعات مورد علاقه مشترک گرد هم می‌آیند (Habermas et al., 1974; Warner, 2021). حوزه عمومی به‌عنوان بستری برای گفتمان دموکراتیک به شهروندان اجازه می‌دهد با شرکت در مناظره‌های عمومی و بحث انتقادی به ابراز دیدگاه‌ها و دغدغه‌های خود بپردازند و در شکل‌گیری افکار عمومی و سیاست‌گذاری عمومی سهیم باشند (Newman, 2005; Mouffe, 2002; Zürn, 2023). به یک معنا، اهمیت حوزه عمومی در ظرفیت آن برای تقویت شفافیت، پاسخگویی و مشروعیت در نظام‌های دموکراتیک در راستای تأمین منافع عمومی نهفته است زیرا با فراهم کردن فضایی برای گفت‌وگوی باز و جریان آزاد اطلاعات، شهروندان را قادر می‌سازد تا به دیدگاه‌های مختلف دسترسی داشته باشند و آن‌ها را ارزیابی کنند، ساختارهای قدرت را به چالش بکشند و نمایندگان خود را پاسخگو بدانند (Ferree et al., 2002). یک حوزه عمومی پر جنب‌وجوش و فراگیر، افراد را قادر می‌سازد تا در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند، برون‌داد سیاست‌ها تأثیر بگذارند و اطمینان حاصل کنند که حکمرانی، بازتابی از اراده و ذائقه عمومی است (McKee, 2005).

#### ۲-۲-۴- نافرمانی مدنی به‌عنوان شکلی از مقاومت مسالمت‌آمیز و تأثیر آن بر پویایی قدرت

نافرمانی مدنی (Bedau, 1961; Thoreau, 2017)، نوعی مقاومت غیر خشونت‌آمیز است که از مجرای آن، افراد یا گروه‌ها به‌عنوان ابزاری برای ابراز مخالفت خود یا به دنبال تغییرات اجتماعی و سیاسی تعمداً و آشکارا قوانین، مقررات یا سیاست‌های تعیین‌شده را نقض می‌کنند (Scheuerman, 2022). نافرمانی مدنی یک اقدام اعتراضی

وجدانی است (Lefkowitz, 2007) که مشروعیت و اقتدار ساختارهای قدرت موجود را به چالش می‌کشد. نافرمانی مدنی، اغلب زمانی پدیدار می‌شود که افراد الزام اخلاقی (Moraro, 2019) برای مقاومت در برابر قوانین یا سیاست‌های ناعادلانه را احساس می‌کنند و معتقدند که راه‌های متعارف برای تغییر از بین رفته‌اند (Scheuerman, 2019). جامعه مدنی با سرپیچی آشکار از قوانین تعیین شده، وضعیت موجود را مختل و توجه را به بی‌عدالتی‌های اجتماعی یا مسائل سیستمی جلب می‌کند. اقدامات آن‌ها می‌تواند نارسایی‌های بین چارچوب‌های قانونی و ارزش‌های اجتماعی را آشکار کند و باعث شود ساختارهای قدرت و مشروعیت آن‌ها مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و با الهام‌بخشی به گفت‌وگوی عمومی، بسیج حمایت عمومی و اعمال فشار بر مقامات برای رسیدگی به نارضایتی‌ها، آغازگر اصلاحات باشد. علاوه بر این، نافرمانی مدنی انحصار قدرت در دست دولت را به چالش می‌کشد و با تهییج عاملیت، خودآیینی و خودبنیانی افراد، نشان دهد که درنهایت، قدرت در اختیار مردم است و کنش جمعی آن‌ها می‌تواند با تغییر در پویایی قدرت، نتایج سیاسی را رقم بزند.

### ۳-۲-۴- نمونه‌های موفق از تأثیر نافرمانی مدنی بر حکمرانی دموکراتیک

یکی از نمونه‌های برجسته تأثیر نافرمانی مدنی بر حکمرانی دموکراتیک، جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ است (Weber, 2019). فعالان مدنی از طریق اقدامات نافرمانی مدنی مانند تحصن، تحریم و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز (Welchman, 2001)، جداسازی نژادی و تبعیض را به چالش کشیدند و خواستار حقوق برابر و عدالت شدند. جنبش حقوق مدنی، حمایت عمومی گسترده‌ای را ایجاد کرد، افکار عمومی را بسیج نمود و درنهایت به تغییرات اساسی قانون‌گذاری، مانند قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ انجامید (Act, 1964; Aiken, et al., 2013; Kumar, 2023). مثال دیگر، جنبش ضدآپارتاید در آفریقای جنوبی است که در آن نافرمانی مدنی نقش اساسی در از بین بردن رژیم سرکوبگر آپارتاید، ایجاد آفریقای جنوبی دموکراتیک و غیر نژادی ایفا کرد (Gurney, 2000).

در سال‌های اخیر، قیام‌های بهار عربی که در چندین کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ در گرفت، قدرت نافرمانی مدنی را در به چالش کشیدن رژیم‌های خودکامه به تصویر کشید (Grinin & Korotayev, 2022). اعتراضات توده‌ای، تحصن‌ها و اقدامات نافرمانی مدنی، نارضایتی عمومی را برانگیخت و جرقه‌هایی را برای اصلاحات سیاسی و حکمرانی دموکراتیک به پا کرد. درحالی‌که نتایج بهار عربی در کشورهای مختلف متفاوت بود، این قیام‌ها ظرفیت نافرمانی مدنی را برای بی‌ثبات کردن ساختارهای قدرت ریشه‌دار و تسریع تغییرات سیاسی برجسته کرد (Tahboun, 2023). این مطالعات موردی نشان می‌دهد که چگونه نافرمانی مدنی می‌تواند پویایی قدرت را مختل (Çıdam et al., 2020)، بی‌عدالتی‌ها را افشا و به پیشبرد حکمرانی دموکراتیک کمک کند (Celikates, 2016). این موارد به‌درستی اهمیت حوزه عمومی به‌عنوان بستری برای گفتگوی عمومی را برجسته می‌کنند، جایی که نافرمانی مدنی می‌تواند طنین یابد و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی دگرگون‌کننده‌ای را ایجاد کند (Niesen, 2019).

### ۳-۴- پویایی قدرت و پادمان‌های حقوق فردی

#### ۱-۳-۴- پویایی قدرت در حقوق عمومی مدرن و ضرورت پادمان‌ها

پویایی قدرت در حقوق عمومی مدرن حول محورهای توزیع، اعمال و پاسخگویی قدرت در میان بازیگران مختلف در یک نظام سیاسی می‌چرخد. قدرت می‌تواند در نهادهایی مانند قوه مجریه، مقننه، یا قضاییه متمرکز شود یا بین



سطوح مختلف دولت و بازیگران غیردولتی پراکنده شود. پویایی قدرت، نحوه خط‌مشی‌گذاری، اجرای سیاست‌ها و تخصیص منابع در یک جامعه را تعیین می‌کند. نیاز به پادمان‌ها<sup>۱</sup> از این شناخت ناشی می‌شود که قدرت کنترل‌نشده می‌تواند منجر به سوءاستفاده و تضعیف حکمرانی دموکراتیک شود. این پادمان‌ها در قالب اشکال مختلفی از جمله اصول قانون اساسی، تفکیک قوا، کنترل و تعادل، قوه قضاییه مستقل، آزادی مطبوعات و جامعه مدنی قویم، به‌عنوان سازوکارهایی برای جلوگیری از تمرکز و سوءاستفاده از قدرت با هدف اطمینان از اعمال قدرت در محدوده‌های تعریف‌شده، مطابق با حکومت قانون و مشروط به پاسخگویی و نظارت عمل می‌کنند.

### ۲-۳-۴- مکانیسم کنترل و تعادل برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت

کنترل و تعادل، یکی از مختصات اصلی نظام‌های دموکراتیک است (Pasquino & Pelizzo, 2022; Holcombe, 2018) و به‌عنوان سازوکاری برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و تضمین حق‌ها و آزادی‌های مردم عمل می‌کند (Gratton & Morelli, 2022). این نهاد شامل توزیع قدرت در میان لایه‌های مختلف حکمرانی است که هر کدام وظایف و مسئولیت‌های متمایز خود را دارند (La Porta et al., 2004) و هدف آن، ایجاد یک نظام پاسخگویی و محدودیت متقابل است که تضمین می‌کند هیچ قوا یا فردی نمی‌تواند قدرت نامشروعی را جمع یا بدون محدودیت عمل کند. به‌عنوان مثال، قوه مقننه با برگزاری جلسات استماع و استیضاح مقامات اجرایی، آن‌ها را در قبال اقدامات خود پاسخگو می‌کند. در طرف دیگر، قوانین وضع شده توسط این قوه توسط قوه مجریه کنترل می‌شود که می‌تواند قانونی را و تو یا سیاست‌های جایگزین را پیشنهاد کند. به همین ترتیب، قوه قضاییه با تفسیر و بازنگری قوانین، حل و فصل اختلافات میان قوا و تشدید اصول قانون اساسی، به‌عنوان ناظر بر قوه مقننه و مجریه عمل می‌کند. از مجرای این مکانیسم کنترل و تعادل، قدرت بر مَرِّ قانون توزیع می‌شود و تصمیم‌گیری به فرآیندی مشارکتی تبدیل می‌شود که مستلزم مذاکره، سازش و احترام به مرزهای نهادی است و هر قوه حکومتی، امکان نظارت و بررسی دقیق اعمال سایرین را دارد (Macey & Richardson, 2022; Whittington, 2022).

### ۳-۳-۴- قانون اساسی: حفظ حقوق فردی و جلوگیری از تمرکز قدرت

قانون اساسی، نقش مهمی در حفظ حقوق فردی و جلوگیری از تمرکز قدرت در یک نظام دموکراتیک دارد چرا که کار ویژه آن، تنظیم قدرت و تضمین حقوق و آزادی‌ها در قاموس چارچوب حقوقی است که بر اساس آن حکمرانی عمل می‌کند و حقوق و آزادی‌های افراد تعریف می‌شوند (Nabievna, 2022). قانون اساسی، حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان از جمله آزادی بیان، اجتماعات و مذهب و حمایت در برابر بازداشت خودسرانه، تبعیض و شکنجه را تعیین می‌کند و با ترسیم روشن اختیارات و محدودیت‌های نهادهای حکمرانی، از تمرکز قدرت در دست عده معدودی، جلوگیری و توزیع و اعمال قدرت بر اساس اصول دموکراتیک را تضمین می‌کند (Tomescu & Trofin, 2011). علاوه بر این، قانون اساسی اغلب سازوکارهایی را برای اصلاح یا بازنگری خود پیش‌بینی نموده و تضمین می‌کند که پاسخگویی نیازها و ذائقه در حال تحول جامعه است (Bernstein, 2022). از این رهگذر، در طول زمان امکان به‌روزرسانی و تقویت پادمان‌ها را با ظهور چالش‌های جدید یا با تکامل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی فراهم می‌کند (Albert, 2022).



۴-۴- اساسی‌گرایی<sup>۱</sup> و رویه حقوقی<sup>۲</sup>

## ۴-۴-۱- اساسی‌گرایی و اهمیت آن در حمایت از حکمرانی دموکراتیک

اساسی‌گرایی به پایبندی به اصول قانون اساسی، حکومت قانون و احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی در یک جامعه دموکراتیک اشاره دارد (Urhibo, 2023). همچنین، این نهاد بر تفوق قانون اساسی به عنوان والاترین سند حقوقی-سیاسی که چارچوب اعمال صلاحیت‌های دولتی را تعیین می‌کند، تأکید دارد (Chirwa, 2022; Kochi, 2020). اساسی‌گرایی برای حمایت از حکمرانی دموکراتیک بسیار مهم است زیرا مجموعه‌ای از اصول و قواعد اساسی را ارائه می‌دهد که بر عملکرد دولت حاکم است و از حقوق و آزادی‌های افراد حمایت می‌کند. اساسی‌گرایی، تفکیک قوا، کنترل و تعادل و حمایت از حقوق فردی را ترویج می‌کند. در نتیجه، از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری می‌کند و نظام حکمرانی را تقویت می‌کند که مسئولیت‌پذیر، شفاف و پاسخگوی نیازها و خواسته‌های مردم باشد (Dawood, 2022).

## ۴-۴-۲- نقش رویه حقوقی در تفسیر و اجرای مفاد قانون اساسی

رویه حقوقی که به عنوان رویه قضایی نیز شناخته می‌شود، به اصول و تصمیماتی اطلاق می‌شود که دادگاه‌ها به ابتدای احکام قبلی تعیین می‌کنند. رویه حقوقی، نقش حیاتی در تفسیر و اجرای اصول قانون اساسی در نظام حقوقی ایفا می‌کند (Valvoda et al., 2023). دادگاه‌ها در تفسیر مفاد قانون اساسی و تطبیق قوانین عادی با آن‌ها، اغلب به رویه قانونی استناد می‌کنند. رویه‌های حقوقی، چارچوبی برای درک معنا و دامنه مقررات قانون اساسی فراهم نموده و به اطمینان از سازگاری و پیش‌بینی‌پذیر بودن نتایج حقوقی آن کمک می‌کنند. دادگاه‌ها با استناد به آراء قضایی قبلی، به‌ویژه آراء اتخاذشده توسط دادگاه‌های بالاتر یا دادگاه‌های قانون اساسی، تفسیر خود را از اصول قانون اساسی و برای حل و فصل اختلافات حقوقی بیان می‌کنند (Devaney, 2022). رویه حقوقی نیز به تکامل و توسعه حقوق اساسی کمک می‌کند. از آنجا که پرونده‌های جدید در دادگاه مطرح می‌شوند، ممکن است مسائل حقوقی جدیدی را شامل شوند یا نیاز به تفسیر اصول قانون اساسی در پرتو تغییر هنجارها یا ارزش‌های اجتماعی داشته باشند. با اتخاذ آراء قضایی و ایجاد رویه‌های جدید، قانون اساسی می‌تواند با حفظ درجه‌ای از ثبات و انسجام، با نیازهای در حال تحول جامعه سازگار شود (Grajzl & Murrell, 2022).

## ۴-۴-۳- نمونه‌هایی از تأثیر رویه حقوقی بر حقوق عمومی مدرن

یکی از مثال‌های برجسته بیانگر تأثیر رویه حقوقی بر حقوق عمومی مدرن، پرونده مهم براون علیه هیئت آموزش (Warren, 1954) است. در این مورد، دادگاه عالی ایالات متحده حکم داد که تفکیک نژادی در مدارس دولتی ناقض بند حمایت قانونی برابر مصرح در متمم چهاردهم است (Bartley, 2002; Bernick, 2021). این رأی، دکترین «مُنفک اما مساوی» را که در پرونده پلسی علیه فرگوسن (Levy & Philips, 1951) اتخاذ شده بود، مُلغی کرد و به عدم تفکیک نژادی (Gallagher, 2007) و پیشبرد حقوق مدنی کمک کرد. نمونه دیگر، پرونده ماربری علیه مدیسون ۱۸۰۳ (Pennoyer, 1896) است که اصل بازنگری قضایی را تأسیس کرد (Corwin, 1914). در این پرونده، دیوان عالی فدرال، صلاحیت خود مبنی بر بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی و در شرایط مغایرت، ابطال آن‌ها را اعلام کرد. این رأی مهم، نقش قوه قضاییه را به عنوان حافظ حقوق اساسی و مبین قانون اساسی تثبیت کرد و رویه‌ای را برای اعمال بازنگری قضایی در بسیاری از کشورهای دموکراتیک ایجاد کرد.

1. constitutionalism  
2. legal precedent

پرونده رو علیه وید (۱۹۷۳)، تأثیر قابل توجهی بر حقوق باروری و تفسیر مقررات قانون اساسی مرتبط با حریم خصوصی داشت (Hull, & Hoffer, 2021; Garrow, 1998). دیوان عالی، در این پرونده، حق قانونی زنان برای سقط جنین را به ابتدای حق بر حریم خصوصی افراد، مُنبعث از بند رعایت الزامات شایسته قانونی مصرح در متمم چهاردهم، تصریح کرد. این رأی بر بحث‌ها و تحولات حقوقی در خصوص حقوق باروری در بسیاری از کشورهای جهان تأثیر گذاشته است. این مطالعات موردی نشان می‌دهد که چگونه رویه حقوقی می‌تواند قوانین عمومی مدرن را شکل داده و بر آن تأثیر بگذارد. دادگاه‌ها از مجرای آراء قضایی، مفاد قانون اساسی را تفسیر، معنای آن‌ها را روشن و اصولی را تأسیس می‌کنند که نظام حقوقی را هدایت می‌نماید. رویه حقوقی می‌تواند نقشی دگرگون‌کننده‌ای در پیشبرد حقوق اساسی، ترویج برابری و تطبیق قانون با تغییر بافت‌های اجتماعی و فرهنگی ایفا کند (Scheb & Sharma, 2023).

در نتیجه، اساسی‌گرایی برای حمایت از حکمرانی دموکراتیک ضروری است زیرا اصول اساسی را ایجاد، اعمال قدرت را محدود و از حقوق و آزادی‌های فردی حمایت می‌کند. به علاوه، رویه حقوقی، نقش اساسی در تفسیر و اجرای مفاد قانون اساسی، ارائه رهنمودها و انسجام در آراء حقوقی دارد. مطالعات موردی مانند براون علیه هیئت آموزش، ماربری علیه مدیسون و رو علیه وید، تأثیر رویه حقوقی بر حقوق عمومی مدرن، شکل‌دهی به تفسیر قانون اساسی و تأثیرگذاری بر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.

#### ۴-۵- حقوق عمومی مدرن و حکمرانی دموکراتیک

##### ۴-۵-۱- حقوق عمومی مدرن و رابطه آن با حکمرانی دموکراتیک

حقوق عمومی مدرن، چارچوب‌ها و اصول حقوقی را در برمی‌گیرد که بر روابط بین دولت و تابعان آن و عملکرد نهادهای دولتی حاکم است. همچنین، قوانینی در مورد سیاست‌گذاری، اعمال قدرت عمومی و حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی تبیین می‌کند. حکمرانی دموکراتیک، به یک نظام حکمرانی اطلاق می‌شود که در آن، قدرت به نمایندگی از مردم به دولت تفویض شده است و از طریق سازوکارهایی اعمال می‌شود که امکان مشارکت، نمایندگی و پاسخگویی را فراهم می‌کند (Bevir, 2011; Bevir, 2010). حقوق عمومی مدرن با ارائه چارچوب حقوقی که فرآیندهای دموکراتیک در آن عمل می‌کنند، نقش مهمی در حکمرانی دموکراتیک بر عهده دارد (Priyadi & Iqbal, 2022).

حقوق عمومی مدرن، ساختار و صلاحیت‌های نهادهای دولتی مانند قوه مجریه، مقننه و قضاییه را از رهرو قاعده تفکیک قوا تبیین و نقش و مسئولیت آن‌ها را تعیین می‌کند. در ضمن، از حقوق و آزادی‌های فردی محافظت می‌کند و حفاظت از آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان و اجتماعات و حمایت برابر در پیشگاه قانون را تضمین می‌نماید. از مجرای حکمرانی دموکراتیک، حقوق عمومی مدرن سازوکارهایی را برای مشارکت شهروندان مانند انتخابات، همه‌پرسی و مشورت‌های عمومی ایجاد می‌کند که به افراد اجازه می‌دهد در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر جهت‌گیری خط‌مشی عمومی، تبادُل نظر داشته باشند. به علاوه، حقوق عمومی مدرن با ارائه سازوکارهایی برای نظارت، شفافیت و استقرار حکومت قانون، پاسخگویی مقامات و نهادهای دولتی را در قبال اقدامات خود تضمین می‌کند (Papadopoulos, 2023).

### ۲-۵-۴- گفتگوی عمومی و حوزه عمومی: شکل‌دهی به فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری دموکراتیک

گفتگوی عمومی و حوزه عمومی، مؤلفه‌های کلیدی فرآیندهای سیاست‌گذاری دموکراتیک هستند. گفتگوی عمومی ناظر بر تبادل عقاید، نظرات و اطلاعات بین شهروندان با همدیگر و با دولت است. حوزه عمومی، عرصه‌ای است که این گفتمان در آن صورت می‌گیرد و مجاری مختلفی مانند رسانه‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی و تریبون‌های عمومی را در بر می‌گیرد. گفتگوی عمومی با تسهیل تبادل دیدگاه‌های مختلف، تقویت بحث‌های آگاهانه و پاسخگو نگه داشتن سیاست‌گذاران، نقش کلیدی در شکل‌گیری سیاست‌های دموکراتیک داشته و امکان بیان دیدگاه‌های مختلف، نقد سیاست‌ها و شیوه‌ها و کشف راه‌حل‌های جایگزین برای چالش‌های اجتماعی را فراهم می‌کند (Lünenborg, 2019). شهروندان در بستر گفتگوی عمومی می‌توانند از مسائل عمومی مطلع شوند، دغدغه‌های خود را بیان کنند، از منافع خود دفاع کنند، بر شکل‌گیری افکار عمومی تأثیر بگذارند و مقامات و نهادهای منتخب را در قبال اقدامات خود پاسخگو بدانند. گفتگوی عمومی به شناسایی منافع مشترک، ایجاد اجماع و پر کردن شکاف‌های اجتماعی نیز کمک می‌کند (Scollon, 2008). در حکمرانی دموکراتیک، حقوق عمومی اصل آزادی بیان را حمایت و ترویج و تضمین می‌کند که افراد حق دارند نظرات خود را بیان نموده و در گفتگوی عمومی بدون ترس از سانسور یا اقدامات تلافی‌جویانه شرکت کنند. همچنین، با درک اهمیت گفتگوی محترمانه، استدلال‌های مبتنی بر واقعیت و تضارب آراء، اجرای مسئولانه آزادی بیان را تشویق می‌کند (Murkens, 2009).

### ۳-۵-۴- نظام دموکراسی نمایندگی و حفظ حقوق اقلیت‌ها در حقوق عمومی مدرن

دموکراسی نمایندگی، شکلی از حکمرانی است که در آن شهروندان نمایندگان را برای تصمیم‌گیری از جانب خود انتخاب می‌کنند. نمایندگی، مؤلفه کلیدی در شاکله حقوق عمومی مدرن و اصول حکمرانی دموکراتیک است. دموکراسی نمایندگی تضمین می‌کند که مشرب خط‌مشی عمومی و قانون، منافع و ترجیحات عمومی است (Macey, 1993; Urbinati, 2006). در دموکراسی نمایندگی، حقوق عمومی چارچوب قانونی را برای انتخابات از جمله قوانین نامزدی، رأی‌گیری و تشکیل احزاب سیاسی ایجاد می‌کند. در ضمن، مکانیسم‌هایی را برای حمایت از حقوق انتخاباتی مانند حق‌رای، نمایندگی برابر و تدابیری در مقابله با سرکوب یا تبعیض رأی‌دهندگان ارائه می‌دهد. حفاظت از حقوق اقلیت‌ها، یک وجه اساسی حقوق عمومی مدرن و حکمرانی دموکراتیک است. حقوق اقلیت‌ها از منافع و رفاه افراد یا گروه‌هایی محافظت می‌کند که ممکن است در جامعه به حاشیه رانده شده یا محروم باشند. بر این اساس، حقوق عمومی مدرن، پادمان‌های قانونی را ایجاد می‌کند تا اطمینان حاصل شود که حقوق اقلیت‌ها رعایت و حمایت شده و توسط اکثریت نقض نمی‌شود (Fruhstorfer & Hudson, 2022). این حمایت‌ها می‌تواند شامل مقررات قانون اساسی، قوانین ضد تبعیض و اقدامات ایجابی باشد. حقوق عمومی مدرن، سازوکارهایی را نیز برای نمایندگی اقلیت‌ها مانند کرسی‌های رزرو شده یا نظام‌های نمایندگی متناسب ایجاد می‌کند تا اطمینان حاصل شود که صدای اقلیت‌ها شنیده شده و منافع آن‌ها در فرآیندهای سیاست‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. هدف حقوق عمومی مدرن با حفظ حقوق اقلیت‌ها، جلوگیری از استبداد اکثریت، ترویج فراگیری، برابری و انسجام اجتماعی و شناسایی حقوق و منافع همه افراد، صرف‌نظر از پیشینه، باورها و هویت آن‌ها برای استقرار یک دموکراسی سالم است (Tormey, 2014; Urbinati, 2011; Alonso et al., 2011).

## ۴-۶- حاکمیت و نظام سیاسی

### ۴-۶-۱ حاکمیت و اهمیت آن در نظام سیاسی

در یک تعریف قدیمی اما عمومی، حاکمیت به صلاحیت برتر و مستقل یک دولت یا نهاد حاکم برای اعمال قدرت و سیاست گذاری در محدوده سرزمینی آن اشاره دارد (Philpott, 1995). حاکمیت، مفهومی بنیادین در نظام سیاسی است و نقش بسزایی در شکل دادن به حکمرانی و روابط بین‌المللی ایفا می‌کند (Humphrey, 2007). حاکمیت در نظام سیاسی امری ضروری است زیرا منبع اقتدار و مشروعیت نهادهای حکمرانی را ایجاد می‌کند. حاکمیت، چارچوبی را برای اعمال قدرت سیاسی، فراهم و مرزهای اعمال صلاحیت دولت را تعیین می‌کند. بر این اساس، دولت قدرت نهایی برای وضع و اجرای قوانین، حفظ نظم عمومی و حفاظت از منافع و رفاه شهروندان خود را دارد. اهمیت حاکمیت در صلاحیت آن در تبیین رابطه بین دولت و تابعانش و روابط دولت با سایر دولت‌ها در جامعه بین‌المللی نمود پیدا می‌کند. حاکمیت اجازه می‌دهد تا قوانین، سیاست‌ها و نهادهایی ایجاد شود که منعکس‌کننده ارزش‌ها، منافع و آرمان‌های یک جامعه سیاسی خاص باشد.

### ۴-۶-۲ نحوه تعامل حاکمیت با اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک

حاکمیت به انحاء مختلفی با اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک تعامل دارد. اساسی‌گرایی، بر پابندی به اصول قانون اساسی و حکومت قانون تأکید دارد. بدین ترتیب، اساسی‌گرایی برای اعمال قدرت حاکمیتی محدودیت‌هایی تعیین نموده و تضمین می‌کند که تصمیمات و اقدامات دولت با مفاد قانون اساسی مطابقت دارد. در حکمرانی دموکراتیک، حاکمیت اغلب به مردم واگذار می‌شود که از طریق نمایندگان منتخب اقتدار خود را اعمال می‌کنند. قانون اساسی به عنوان یک قرارداد اجتماعی بین دولت و شهروندانش عمل کرده، چارچوبی را برای فرآیندهای سیاست گذاری دموکراتیک، ایجاد و از حقوق و آزادی‌های فردی حمایت می‌کند (Rubinelli, 2019).

درحالی که حاکمیت به دولت صلاحیت حکمرانی می‌دهد، اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک، محدودیت‌هایی را برای این صلاحیت قائل هستند. مفاد قانون اساسی با تخصیص اختیارات و مسئولیت‌های نهادهای دولتی، استقرار مکانیسم کنترل و تعادل و تضمین حقوق فردی، به عنوان موازنه‌ای برای اعمال حاکمیت مسئولانه و مطابق با هنجارهای دموکراتیک عمل می‌کنند (Bartelson, 2006). گفتنی است رابطه میان حاکمیت، اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک، اغلب درگیر تنش‌ها و چالش‌هایی است. از یک سو، حاکمیت به عنوان یک نهاد اساسی در نظر گرفته می‌شود که به دولت‌ها اجازه می‌دهد از منافع خود محافظت کنند و سیاست‌هایی را به نفع شهروندان خود اتخاذ کنند و از سوی دیگر، اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و حمایت از حقوق فردی، محدودیت‌هایی را برای حاکمیت ایجاد می‌کنند.

### ۴-۶-۳ سازوکارهای درون نظام سیاسی: توزیع قدرت و سیاست گذاری

توزیع قدرت و سیاست گذاری در نظام سیاسی، بسته به شکل خاص حکمرانی و ترتیبات نهادی در یک دولت خاص، متفاوت است. برخی از سازوکارهای رایج شامل تفکیک قوا (تقسیم قدرت میان سطوح مختلف حکمرانی)، کنترل و تعادل (صلاحیت لایه‌های مختلف حکمرانی برای تحدید یا بررسی صلاحیت‌های سایر قوا)، فدرالیسم (تقسیم قدرت بین دولت مرکزی و دولت‌های منطقه‌ای یا ایالتی و توزیع صلاحیت‌ها بین سطوح مختلف حکمرانی)، نظام‌های انتخاباتی (نظارت بر نحوه تخصیص قدرت و سیاست گذاری در درون نظام سیاسی) و مشارکت عمومی و جامعه مدنی

(ارایزنی‌های عمومی، همه‌پرسی و مشارکت‌های مردمی در فرآیندهای سیاست‌گذاری و پاسخگویمداری دولت از طریق سازمان‌های جامعه مدنی) است (Kohler-Koch, 2013; Lombardo, 2007).

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، جنبه‌های مختلف حقوق عمومی مدرن و حکمرانی دموکراتیک بررسی شد. ما با بحث در مورد نقش حقوق عمومی مدرن در ایجاد چارچوب قانونی برای حکمرانی دموکراتیک و حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی شروع کردیم. سپس به اهمیت گفتگوی عمومی و حوزه عمومی در شکل دادن به فرآیندهای سیاست‌گذاری دموکراتیک و اعمال هرچه مطلوب‌تر قدرت مؤسس پرداخته و بر اهمیت آزادی بیان و گفتگوی مسئولانه در این بستر پرداختیم. پس از آن، مفهوم حاکمیت و رابطه آن با نظام سیاسی را بررسی نموده و اهمیت آن را در ایجاد اقتدار مشروع و مبتنی بر اراده ملت و مشروعیت نهادهای حکمرانی برجسته ساختیم. به علاوه، چگونگی تعامل حاکمیت با اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک را بررسی کرده و نقش محدودیت‌های قانون اساسی و کنترل قدرت حاکمیتی را به رسمیت شناختیم. در نهایت، سازوکارهای درون نظام سیاسی را بررسی کردیم که از مجرای آن‌ها قدرت توزیع و سیاست‌گذاری می‌شود. به علاوه، در مورد تفکیک قوا، کنترل و تعادل، فدرالیسم، نظام‌های انتخاباتی و نقش مشارکت عمومی و جامعه مدنی در شکل دادن به فرآیندهای سیاست‌گذاری بحث کردیم.

تأثیر متقابل قانون اساسی، قدرت مؤسس و حکمرانی دموکراتیک، پیامدهای مهمی برای حقوق عمومی مدرن دارد. شکل‌گیری قانون اساسی متضمن بیان جمعی قدرت مؤسس بوده که به جامعه مشروعیت می‌دهد و ارزش‌ها، اصول و ساختار حکمرانی خود را تعریف کند. حکمرانی دموکراتیک تضمین می‌کند که این بیان‌های قدرت مؤسس مورد احترام قرار می‌گیرد و فرآیندهای سیاست‌گذاری بازتاب اراده مردم است. تعامل بین این عناصر، بر اهمیت فراگیری، مشارکت و احترام به حقوق اقلیت‌ها در روند تدوین قانون اساسی تأکید می‌کند. این امر نیاز به سازوکارهایی را برجسته می‌کند که اجازه می‌دهد صداهای مختلف شنیده شوند و سیاست‌گذاری به شکل شفاف و پاسخگو باشد. محدودیت‌های قانون اساسی و کنترل قدرت حاکمیتی به حفظ حقوق فردی و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت کمک می‌کند. علاوه بر این، تأثیر متقابل قانون اساسی، قدرت مؤسس و حکمرانی دموکراتیک، ماهیت پویای حقوق عمومی مدرن را برجسته می‌کند. قانون اساسی و حقوق اساسی، سند ثابت و غیرقابل تغییری نیست بلکه ابزار زنده‌ای است که با تغییرات اجتماعی و چالش‌های نوظهور تکامل و توسعه می‌یابد. حکمرانی دموکراتیک، راه‌هایی را برای اصلاح و انطباق حقوق اساسی فراهم نموده و تضمین می‌کند که قانون اساسی پاسخگوی نیازها و خواسته‌های مردم باشد.

درحالی‌که این پژوهش چندین جنبه مهم از حقوق عمومی مدرن و حکمرانی دموکراتیک را پوشش داده است، هنوز هم زمینه‌هایی وجود دارد که تحقیق و کاوش بیشتر را ایجاب می‌کند. برخی از موضوعات بالقوه و پیشنهادی برای پژوهش بیشتر شامل تأثیر جهانی شدن و چالش‌های فراملی بر عمل و توسعه حقوق عمومی مدرن و حکمرانی دموکراتیک، بررسی پیامدهای فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و بلاکچین بر فرآیندهای دموکراتیک، مشارکت عمومی و حمایت از حقوق فردی، تحلیل تطبیقی نظام‌های مختلف قانون اساسی برای ارزیابی نقاط قوت و ضعف رویکردهای مختلف حکمرانی دموکراتیک، تلاقی حق‌ها و حقوق اقلیت‌ها در حقوق عمومی مدرن و بررسی نقش حقوق عمومی مدرن در رسیدگی به تغییرات اقلیمی و چالش‌های زیست‌محیطی است.

## منابع

Abromeit, H. (2007). Constitution and legitimacy. *Approaching the European federation*, 37-58.

- Act, C. R. (1964). Civil rights act of 1964. *Title VII, Equal Employment Opportunities*.
- Adagbabiri, M. (2015). Constitutionalism and democracy: a critical perspective. *International Journal of Humanities and Social Science*, 5(12), 108-114.
- Aiken, J. R., Salmon, E. D., & Hanges, P. J. (2013). The origins and legacy of the Civil Rights Act of 1964. *Journal of Business and Psychology*, 28, 383-399.
- Albert, R. (2022). The World's Most Difficult Constitution to Amend?. *Cal. L. Rev.*, 110, 2005.
- Alonso, S., Keane, J., & Merkel, W. (Eds.). (2011). *The future of representative democracy*. Cambridge University Press.
- Andrias, K. (2016). Confronting Power in Public Law. *Harv. L. Rev. F.*, 130, 1.
- Ankut, P. Y. (2019). The role of constitution-building processes in democratization. *International Institute for Democracy and Electoral Assistance*. Accessed September.
- Arato, A. (1995). Forms of constitution making and theories of democracy. *Cardozo L. Rev.*, 17, 191.
- Axtmann, R. (2014). Global Governance, Constitutionalism and Democracy. *Democracy and Crisis: Democratising Governance in the Twenty-First Century*, 189-208.
- Barnett, R. E. (2003). Constitutional legitimacy. *Colum. L. Rev.*, 103, 111.
- Bartelson, J. (2006). *The concept of sovereignty revisited* (Vol. 17, No. 2, pp. 463-474). Oxford University Press.
- Bartley, A. A. (2002). The Fourteenth Amendment: The Great Equalizer of the American People. *Akron L. Rev.*, 36, 473.
- Bedau, H. A. (1961). On civil disobedience. *The Journal of Philosophy*, 58(21), 653-665.
- Beha, A. (2023). Constitution-making and state-building in Kosovo: we (you) the people. *Peacebuilding*, 1-21.
- Bernick, E. D. (2021). Antisubjugation and the Equal Protection of the Laws. *Geo. LJ*, 110, 1.
- Bernstein, R. B. (2022). *Amending America: If We Love the Constitution So Much, Why Do We Keep Trying to Change It?*. Plunkett Lake Press.
- Bevir, M. (2010). *Democratic governance*. Princeton University Press.
- Bevir, M. (2011). Democratic governance: A genealogy. *Local Government Studies*, 37(1), 3-17.
- Böckenförde, M. (2017). Letting the constituent power decide?, Merits and challenges of referenda in constitution-making processes in Africa. *Abbate, Tania/Böckenförde, Markus/Federico, Veronica, Public Participation in African Constitutionalism*, London, 26-40.
- Casey, C., & Vermeule, A. (2022). Myths of Common Good Constitutionalism. *Harv. JL & Pub. Pol'y*, 45, 103.
- Celikates, R. (2016). Democratizing civil disobedience. *Philosophy & Social Criticism*, 42(10), 982-994.
- Chirwa, D. M. (2022). Constitutions without Constitutionalism, Government without Governance: Critique and Hope for Malawi. *Journal of Southern African Studies*, 48(6), 1119-1128.
- Çıdam, Ç., Scheuerman, W. E., Delmas, C., Pineda, E. R., Celikates, R., & Livingston, A. (2020). Theorizing the politics of protest: Contemporary debates on civil disobedience. *Contemporary Political Theory*, 19, 513-546.
- Closa, C., & Fossum, J. E. (2004). Constitution-Making and Democratic Legitimacy in the EU. *Deliberative Constitutional Politics in the EU. Arena Report*, 5(04).
- Colón-Ríos, J. (2020). *Constituent power and the law*. Oxford University Press.
- Colón-Ríos, J. I. (2012). *Weak Constitutionalism: Democratic legitimacy and the question of constituent power* (Vol. 1). Routledge.
- Corwin, E. S. (1914). Marbury v. Madison and the doctrine of judicial review. *Michigan Law Review*, 12(7), 538-572.
- Dawood, Y. (2022). Effective Government and the Two Faces of Constitutionalism. *Constitutionalism and a Right to Effective Government*.
- Devaney, J. G. (2022). The role of precedent in the jurisprudence of the International Court of Justice: A constructive interpretation. *Leiden Journal of International Law*, 35(3), 641-659.
- Doyle, O. (2019). Populist constitutionalism and constituent power. *German Law Journal*, 20(2), 161-180.
- Emmerson, D. K. (2012). Minding the gap between democracy and governance. *J. Democracy*, 23, 62.
- Fallon Jr, R. H. (2004). Legitimacy and the Constitution. *Harv. L. Rev.*, 118, 1787.
- Ferree, M. M., Gamson, W. A., Gerhards, J., & Rucht, D. (2002). Four models of the public sphere in modern democracies. *Theory and society*, 31(3), 289-324.
- Fruhstorfer, A., & Hudson, A. (2022). Majorities for minorities: Participatory constitution making and the protection of minority rights. *Political Research Quarterly*, 75(1), 103-117.



- Gadiner, F., & Scholte, J. A. (Eds.). (2023). *Polycentrism: How Governing Works Today*. Oxford University Press.
- Gallagher, T. (2007). Desegregation and resegregation: The legacy of Brown versus Board of Education, 1954. In *Addressing ethnic conflict through peace education: International perspectives* (pp. 9-19). New York: Palgrave Macmillan US.
- Garrow, D. J. (1998). Abortion before and after Roe v. Wade: An historical perspective. *Alb. L. Rev.*, 62, 833.
- Grajzl, P., & Murrell, P. (2022). Lasting legal legacies: Early English legal ideas and later caselaw development during the Industrial Revolution. *Review of Law & Economics*, 18(1), 85-141.
- Gratton, G., & Morelli, M. (2022). Optimal checks and balances under policy uncertainty. *International Economic Review*, 63(2), 549-569.
- Grinin, L., & Korotayev, A. (2022). The Arab spring: Causes, conditions, and driving forces. In *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 595-624). Cham: Springer International Publishing.
- Gurney, C. (2000). 'A great cause': The origins of the anti-apartheid movement, June 1959-march 1960. *Journal of Southern African Studies*, 26(1), 123-144.
- Habermas, J., Lennox, S., & Lennox, F. (1974). The public sphere: An encyclopedia article (1964). *New German Critique*, (3), 49-55.
- Holcombe, R. G. (2018). Checks and balances: Enforcing constitutional constraints. *Economies*, 6(4), 57.
- Hull, N. E., & Hoffer, P. C. (2021). *Roe v. Wade: The abortion rights controversy in American history*. University Press of Kansas.
- Humphrey, C. (2007). Sovereignty. *A Companion to the Anthropology of Politics*, 418-436.
- Joerges, C., Sand, I. J., & Teubner, G. (Eds.). (2004). *Transnational governance and constitutionalism*. Hart Publishing.
- Kingsbury, B., & Schill, S. (2010). Public law concepts to balance investors' rights with state regulatory actions in the public interest- the concept of proportionality. *International investment law and comparative public law*, 75, 97.
- Kochi, T. (2020). The end of global constitutionalism and rise of antidemocratic politics. *Global Society*, 34(4), 487-506.
- Kohler-Koch, B. (2013). Civil society participation. *De-mystification of participatory democracy*, 173-91.
- Kumar, A. (2023). Prohibiting Caste Discrimination in the US Under the Civil Rights Act of 1964.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Pop-Eleches, C., & Shleifer, A. (2004). Judicial checks and balances. *Journal of Political Economy*, 112(2), 445-470.
- Lefkowitz, D. (2007). On a moral right to civil disobedience. *Ethics*, 117(2), 202-233.
- Levinson, D. J. (2016). Looking for power in public law. *Harv. L. Rev.*, 130, 31.
- Levy, L. W., & Philips, H. B. (1951). The Roberts case: Source of the "separate but equal" doctrine. *The American Historical Review*, 56(3), 510-518.
- Levy, R. (2023). Democratizing constituent power. *Journal of Legal Philosophy*, 48(1), 44-53.
- Lombardo, E. (2007). The participation of civil society. In *Castiglione, D. et al., Constitutional Politics in the European Union. The Convention Moment and its Aftermath*. Houndmills: Palgrave (pp. 153-169).
- Loughlin, M. (2004). The idea of public law.
- Loughlin, M. (2010). *Foundations of public law*. Oxford University Press, USA.
- Loughlin, M. (2014). The concept of constituent power. *European Journal of Political Theory*, 13(2), 218-237.
- Loughlin, M. (2017). On constituent power.
- Lünenborg, M. (2019). Affective publics: Understanding the dynamic formation of public articulations beyond the public sphere. In *Public spheres of resonance* (pp. 29-48). Routledge.
- Macey, J. C., & Richardson, B. M. (2022). Checks, Not Balances. *Tex. L. Rev.*, 101, 89.
- Macey, J. R. (1993). Representative democracy. *Harv. JL & Pub. Pol'y*, 16, 49.
- Mbondenyi, M. K., & Ojienda, T. (2013). Constitutionalism and Democratic Governance in Africa. *Pretoria University Law Press (PULP)*.
- McKee, A. (2005). *The public sphere: An introduction*. Cambridge University Press.
- Moehler, D. C., & Lindberg, S. I. (2009). Narrowing the legitimacy gap: Turnovers as a cause of democratic consolidation. *The Journal of Politics*, 71(4), 1448-1466.
- Moraro, P. (2019). *Civil disobedience: A philosophical overview*. Rowman & Littlefield.
- Mouffe, C. (2002). Which public sphere for a democratic society?. *Theoria*, 49(99), 55-65.



- Murkens, J. E. K. (2009). The quest for constitutionalism in UK public law discourse. *Oxford Journal of Legal Studies*, 29(3), 427-455.
- Nabievna, N. D. (2022). The importance of the constitution in the life of our society. *Ijtimoiy Fanlarda Innovasiya Onlayn Ilmiy Jurnalı*, 2(2), 1-3.
- Negretto, G. (2020). Constitution-making and liberal democracy: The role of citizens and representative elites. *International Journal of Constitutional Law*, 18(1), 206-232.
- Newman, J. (2005). Participative governance and the remaking of the public sphere. In *Remaking governance* (pp. 119-138). Policy Press.
- Niesen, P. (2019). Reframing civil disobedience: Constituent power as a language of transnational protest. *Journal of International Political Theory*, 15(1), 31-48.
- Papadopoulos, Y. (2023). *Understanding Accountability in Democratic Governance*. Cambridge University Press.
- Pasquino, G., & Pelizzo, R. (2022). *The Culture of Accountability: A Democratic Virtue*. Taylor & Francis.
- Pennoyer, S. (1896). The case of Marbury v. Madison. *Am. L. Rev.*, 30, 188.
- Philpott, D. (1995). Sovereignty: An introduction and brief history. *Journal of international affairs*, 353-368.
- Pribadi, U., & Iqbal, M. (2022). Pivotal Issues of Democratic Governance: A Literature Review. *Jurnal Ilmu Sosial Dan Ilmu Politik*, 25(3), 255-276.
- Roznai, Y. (2023). Clownstitutionalism: Making a Joke of the Constitution by Abuse of Constituent Power. Available at SSRN 4552436.; Colón-Ríos, J. I. (2023). Introduction: seven theses on the constituent power. *Journal of Legal Philosophy*, 48(1), 38-43.
- Rubinelli, L. (2019). How to think beyond sovereignty: On Sieyes and constituent power. *European Journal of Political Theory*, 18(1), 47-67.
- Rubinelli, L. (2020). *Constituent power: A history* (Vol. 128). Cambridge University Press.
- Scheb, J. M., & Sharma, H. (2023). *An introduction to the American legal system*. Aspen Publishing.
- Scheuerman, W. E. (2019). Constituent power and civil disobedience: Beyond the nation-state?. *Journal of International Political Theory*, 15(1), 49-66.
- Scheuerman, W. E. (2022). Why not uncivil disobedience?. *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 25(7), 980-999.
- Scollon, R. (2008). *Analyzing public discourse: Discourse analysis in the making of public policy*. Routledge.
- Sethi, A. (2023). Reassessing Public Participation in Constitution-Making Processes. *Forthcoming, Dikaion*.
- Syrett, K. (2011). *The foundations of public law: Principles and problems of power in the British constitution*. Palgrave Macmillan.
- Tahboun, A. (2023). The Rise of Cyber-Activism and Digital Disobedience during the Arab Spring Uprisings. *London Journal of Research in Humanities and Social Sciences*, 23(14), 35-42.
- Thoreau, H. D. (2017). *Civil disobedience*. Lulu.com.
- Tomescu, M., & Trofin, L. (2011). The separation of powers as a doctrine of democratic legitimacy. *Economics, Management and Financial Markets*, 6(2), 847.
- Tormey, S. (2014). The contemporary crisis of representative democracy. *Democratic Theory*, 1(2), 104-112.
- Tushnet, M. (2018). Foundations of Public Law: A View from the United States. *Questioning the Foundations of Public Law*, 209-215.
- Urbiniati, N. (2006). *Representative democracy: principles and genealogy*. University of Chicago Press.
- Urbiniati, N. (2011). Representative democracy and its critics. *The future of representative democracy*, 23-49.
- Urhibo, K. (2023). The prospective nexus between constitutionalism, the rule of law and democratic good governance: The nigerian experience. *Beijing Law Review*, 14(2), 584-605.
- Vaezi, S. M. (2023). Concept of modern constitution and its conceptual requirements. *Journal of Comparative Law*, 7(1), 219-236.
- Valvoda, J., Cotterell, R., & Teufel, S. (2023). On the role of negative precedent in legal outcome prediction. *Transactions of the Association for Computational Linguistics*, 11, 34-48.
- Verdugo, S. (2023). Is it time to abandon the theory of constituent power?. *International Journal of Constitutional Law*, 21(1), 14-79.
- Vermeule, A. (2022). *Common good constitutionalism*. John Wiley & Sons.
- Warner, M. (2021). *Publics and counterpublics*. Princeton University Press.
- Warren, C. J. E. (1954). Brown v. board of education. *United States Reports*, 347(1954), 483.

- Weber, D. R. (Ed.). (2019). *Civil disobedience in America: A documentary history*. Cornell University Press.
- Welchman, J. (2001). Is ecosabotage civil disobedience?. *Philosophy & Geography*, 4(1), 97-107.
- Whittington, K. E. (2022). Impeachment in a System of Checks and Balances. *Mo. L. REv.*, 87, 835.
- Zürn, M. (2023). Public sphere and global governance. *Philosophy & Social Criticism*, 01914537231203547.

**استناد به این مقاله:** مؤمن، مهرداد، و دبیرنیا، علیرضا. (۱۴۰۳). پویایی قدرت و سازوکار مشروعیت در حقوق عمومی مدرن: کاوشی در نهاد اساسی‌گرایی و حکمرانی دموکراتیک (با نگاهی به نظام حقوقی ایالات متحده). فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۴(۲)، ۷۲-۸۸.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.